

خطای آشکار مادر حوزه سیاستگذاری موسیقی

با موسیقی، فلسفی برخورد نکنیم!

چرا برخی مسائل مادر حوزه «سیاستگذاری فرهنگی» هنوز ناتمام و بی سرانجام باقی مانده است؟

دکترای سیاستگذاری فرهنگی و هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

در بحث «سیاستگذاری فرهنگی» به‌طور عام و «سیاستگذاری موسیقی» به‌طور خاص، مسأله مهم این است که بدانیم اساساً سیاستگذاری موسیقی یا سیاستگذاری در موضوع فرهنگی یا چه مدل و شیوه‌ای انجام می‌گیرد؟ جایگاه سیاستگذار کجا است؟ حکمران کجای این چرخه قرار می‌گیرد؟ اگر قرار است سکوت یا مداخله کند، این سکوت یا مداخله چه سازوکاری دارد؟ اولویت‌ها در سیاستگذاری موسیقی ما چه باید باشد؟ در این گفتار سعی می‌کنیم پیرامون این مباحث تأملاتی داشته باشیم.

حکمرانی را می‌توان به دو بخش «سنتی» و «مدرن» تقسیم کرد؛ بخش سنتی حکمرانی به اموری همچون تأمین امنیت، غذا و... محدود می‌شود و دولت‌ها، ورود چندانی به دیگر عرصه‌ها ندارند مگر منافع یا موضوع خاصی در میان بوده باشد. اما در عصر مدرنیته، دولت‌ها فریه شده چنانکه دایره دخالت‌شان تقریباً شامل همه امور می‌شود! البته اینکه میزان و شیوه این دخالت چگونه باشد، به جهان بینی هر دولت بازمی‌گردد؛ به عنوان مثال جنس دخالت و ورود دولت‌های سوسیالیستی به مسائل جامعه با دولت‌های لیبرالی کاملاً متفاوت است.

تقسیم‌بندی دیگری که از حکمرانی می‌توان انجام داد: «حکمرانی اسلامی» و «حکمرانی غیراسلامی» است. به جرات می‌توان گفت پیچیده‌ترین حکومت «حکومت اسلامی» است به دلیل اینکه ما حضور علنی و رسمی معصوم را به عنوان حکیم کامل نداریم و آنچه از اسلام در عرصه حکمرانی به ما رسیده بسیار ناقص است. ۹۰ درصد احکامی که روی آن کار شده احکام فردی است و آن بخشی که جنبه اجتماعی دارد هم ناظر به فرد است.

▪ **انتزاعی‌گرایی و برخورد فقهی و فلسفی با موسیقی ما را با چه چالش‌هایی مواجه کرده است؟**

سیاستگذاری «فهم ما از سیاستگذاری» است. واقعیت این است که مطالعات انتزاعی در جامعه ما بسامد بالایی دارد، تا آنجا که غلبه این نگاه و رویکرد را در علوم کاربردی، اقتصاد، مدیریت و حتی حسابداری که کاملاً یک دانش اپراتوری است، می‌توان دید. اما در حوزه سیاستگذاری، رویکرد انتزاعی و فلسفی در کشور ما نمود عجیبی دارد.

کارآمدی قرآن کریم در زندگی امروز ما

چگونه از «قرآن» برای مدیریت اجتماعی و حل مسائل مان بهره بگیریم؟

گروه اندیشه: یوسف ذوالفقاری، یکی از

جنبه‌های متأخر و نوپدید در بحث تفسیری قرآن کریم «تفسیر اجتماعی از قرآن» است و هدف از این رویکرد تفسیری، بهره‌گیری از مبانی قرآنی در حل مسائل اجتماعی است. در تفسیر اجتماعی از قرآن می‌کوشیم قرآن را به متن زندگی امروز آورده و از آن برای مواجهه موضوعات و مسائل روز بهره بگیریم. بر این اساس، «جریان تفسیر اجتماعی قرآن» واکنشی جدی در برابر شرایط جدید و رخدادهای نوین و پاسخی به پرسش‌های نوپدید جهان معاصر به شمار می‌آید. در این راستا

و با توجه به اهمیت و ضرورت پرداخت به این وجه از قرآن، چندی پیش، به اهتمام انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی و مرکز پژوهشی مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی «همایش بین‌المللی تفسیر اجتماعی قرآن در جهان اسلام: ظرفیت‌ها و چالش‌ها» در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد که در ادامه گزیده‌ای از برخی سخن‌های مطرح شده در این هم‌اندیشی ارائه می‌شود.

▪ **تفسیر اجتماعی قرآن؛ ضامن بزرگی و اقتدار امروز مسلمانان**
 دکتر فروغ پارسا، رئیس مرکز پژوهشی

وقتی از «سیاستگذاری» سخن به میان می‌آید، همه به دنبال نوعی سرخط فکری و فلسفی می‌گردند. در حالی که «فهم انتزاعی» در عین اینکه ضرورت دارد و باید هم وجود داشته باشد و همواره نقطه شروع ما در سیاستگذاری است، اما باید این واقعیت را هم بدانیم وقتی با عرصه سیاستگذاری «انتزاعی» برخورد

می‌کنیم، انتزاعی هم گیر می‌افتیم. از همین رو است که در برخی از عرصه‌های سیاستگذاری فرهنگی هنوز نتوانسته‌ایم برای مسائل مان، سیاست‌های مطلوبی را اتخاذ کنیم.

«فقه‌گرایی افراطی» یکی از موانع ما در بحث سیاستگذاری فرهنگی عرصه سیاستگذاری «انتزاعی» برخورد

همچنان ناتمام و بی‌سرانجام در حوزه سیاستگذاری فرهنگی بویژه سیاستگذاری موسیقی باقی مانده است.

نکته دیگر این است که در دانش فقهی ما «انتزاع‌گرایی» به شکل برجسته‌ای نمود دارد؛ به عنوان مثال در حوزه موسیقی، فقها دو تا سه فصل از یک کتاب را به بررسی ریشه لغوی «غنا» اختصاص داده‌اند. متأسفانه، ققه ما در همین سطح مانده و فراتر نیامده است. نشست‌ها و اجتماعات علمی هم که به منظور سیاستگذاری فرهنگی و به‌طور خاص سیاستگذاری موسیقی ترتیب داده می‌شود، باز از همین آسیب رنج می‌برد و تحت‌تأثیر همین «لغت‌پردازی‌ها» است؛ اغلب کارشناسان بر این موارد متمرکز می‌شوند که: تفاوت موسیقی و غنا چیست؟ پرداختن به اینکه مثلاً «غنا» آواز است و موسیقی «ناظر» به آلات موسیقی است و ترکیب‌شان هم باز چیز دیگری است و... قطعاً در ضرورت این‌گونه مباحث شکی نیست اما محدود شدن، اکتفا کردن و متوقف شدن به اینها خود رهن‌ز است و متأسفانه این شیوه مواجهه همچنان در عرصه سیاستگذاری فرهنگی و سیاستگذاری موسیقی ما ادامه دارد.

▪ **سیاستگذاری‌های فرهنگی ما چقدر به «مدیریت» منجر می‌شود؟**

وقتی می‌گوییم «سیاستگذاری موسیقی» باید بدانیم چه مباحث و مسائلی در اولویت‌مان قرار می‌گیرد. ابتدا باید بدانیم سیاستگذاری موسیقی یعنی تمام آن چیزی که قرار است ناظر به «مدیریت عمومی عرصه موسیقی» باشد. اینجا به عمد از اصطلاح «مدیریت» استفاده کرده‌ام چون «مدیریت» یا «سیاستگذاری» تفاوت دارد؛ مدیریت جایی است که «اشراف اطلاعاتی» و «قدرت فرمانروایی» داریم و می‌توانیم حساب و کتاب کنیم. اما وقتی اشراف اطلاعاتی نداریم، یا اشراف اطلاعاتی داریم اما قدرت فرمانروایی نداریم، وارد فضای public و عمومی شده‌ایم و اینجا دیگر حوزه «سیاستگذاری» است. ما مجبور هستیم که یک خط سیر یا خط مشی را در پیش بگیریم و تمام تلاش‌مان را بکار گیریم که آن خط مشی محقق شود. اما چون نمی‌توانیم این امور را «مدیریت» کنیم، بنابراین به «سیاستگذاری» بسنده می‌کنیم. به تعبیر دیگر، نقطه ایده‌آل سیاستگذاری «مدیریت» است، اما چون سیاستگذاری ناظر به public و عرصه عمومی است و از آنجا که نمی‌توان فضای عمومی را مدیریت کرد، به سیاستگذاری بسنده و اکتفا می‌کنیم.

البته ذکر این نکته ضروری است که مدیریت نشدن فضای public امری ذاتی نیست و نقص متوجه ما است که نمی‌توانیم این مدیریت را انجام دهیم.

▪ **در سیاستگذاری چقدر به «بودجه‌ریزی» توجه داریم؟**

واقعیت این است که «بودجه‌ریزی» یکی از نخستین اقدامات در امر سیاستگذاری است. اما با این حال، بسیاری بودجه‌ریزی را یکی از دیسپلین‌های سیاستگذاری نمی‌دانند. این در حالی



»

وقتی از «سیاستگذاری» سخن به میان می‌آید، همه به دنبال نوعی سرخط فکری و فلسفی می‌گردند.

در حالی که «فهم انتزاعی»

در عین اینکه ضرورت دارد و باید هم وجود داشته

باشد و همواره نقطه شروع ما در سیاستگذاری است، اما باید این واقعیت را هم

بدانیم که وقتی با عرصه

سیاستگذاری «انتزاعی»

برخورد می‌کنیم، انتزاعی

هم گیر می‌افتیم. از همین

رو است که در برخی از

عرصه‌های سیاستگذاری

فرهنگی هنوز نتوانسته‌ایم

برای مسائل مان،

سیاست‌های مطلوبی را

اتخاذ کنیم.

است که مهمترین ابزار سیاستگذاری، بودجه‌ریزی است. اما چون از فضای انتزاع به فضای عملیات وارد می‌شود؛ چندان محل توجه ما قرار نمی‌گیرد.

اساساً بودجه‌ریزی برای مدیریت مسائل Public طراحی شده است. این بحث رشد پیدا کرده و به بودجه‌ریزی عملیاتی رسیده است. اشکالی که در

کشور ما وجود دارد، این است که فهم ما از «بودجه» محدود به پول است و تا از بودجه سخن به میان می‌آید در ذهن همه پول و دلار بازنمایی می‌شود همچون مفهوم «بوروکراسی» که اغلب کاغذبازی فهم می‌شود. چون فهم اولیه این مفاهیم و اصطلاحات با اشکال مواجه است، بنابراین رهن می‌شود. به عنوان مثال وقتی فهم ما از پدیده واکسن، خنجر یا نیزه باشد، دیگر ما هیچگاه به دنبال زدن واکسن، توسعه دانش واکسن و پیشگیری از بیماری‌ها به‌واسطه آن نمی‌رویم.

«بودجه‌ریزی عملیاتی» از مبانی نظری تا ریزترین مسائلی که در بخش‌های مختلف یک سازمان اتفاق می‌افتد، شامل می‌شود. این دستگاه (بودجه‌ریزی عملیاتی) مترجم سیاست‌ها یا آرمان‌ها به مباحث اپراتوری در لایه‌های مختلف است؛ به تعبیر دیگر، بودجه‌ریزی عملیاتی، به مثابه دستگاهی است که آرمان‌ها و ارزش‌ها را به عملیات بدل می‌کند. متأسفانه این مهم، یعنی تبدیل آرمان‌ها و ارزش‌ها به «عملیات» در کشور ما هیچگاه رخ نداده است.

بنابراین، «انتزاعی‌گرایی»، «فقه‌گرایی» و «عدم فهم درست از مبانی و اصول سیاستگذاری» از جمله مسائلی است که سیاستگذاری فرهنگی و سیاستگذاری موسیقی ما را دچار اختلال کرده است.

▪ **«سیاستگذاری موسیقی» چه ضرورتی دارد؟**

فارغ از همه چالش‌هایی که در حوزه سیاستگذاری فرهنگی و به‌طور خاص سیاستگذاری موسیقی با آن مواجه هستیم، یک پرسش محوری وجود دارد و آن این است که اساساً چرا باید موسیقی را سیاستگذاری کرد؟ و سیاستگذاری در این حوزه چه ضرورتی دارد؟

کلمه «سیاستگذار» به این معنا نیست که حکومت «باید» در حوزه موسیقی ورود پیدا کند، چون ممکن است اصلاً سیاست این باشد که اساساً حکومت در عرصه موسیقی ورود پیدا نکند. بنابراین، منظور از سیاستگذاری در حوزه موسیقی این است که (موضع حکومت نسبت به موسیقی) مشخص شود. اما چرا اساساً چنین موضعی ضرورت دارد؟ در مقام پاسخ باید گفت چون در عصر مدرنیته، دولت‌ها در همه مسائل چه بخواهند و چه نخواهند باید اعلام موضع کنند. در عصر مدرنیته به واسطه بی‌معنی شدن زمان و مکان ما با نوعی «از جاکنندگی» مواجه شده‌ایم. از این رو، نیازمند اموری هستیم که بتوانند به نوعی به ما هویت‌بخشی کند، این هویت‌بخشی از رهگذر یک نظام کارشناسی محقق می‌شود. بنابراین، برای هویت‌بخشی به حوزه موسیقی و تعیین سهم و جایگاه آن در جغرافیای فرهنگی ما، سیاستگذاری در این عرصه برای ما هم یک «باید» و یک «ضرورت» است.

مکتوب حاضر، متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر حسین پرکان با عنوان «سیاستگذاری و موسیقی» است که در «سلسله نشست‌های علمی بررسی تطورات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه موسیقی» ارائه شد.



دکتر فروغ پارسا

می‌دهد که این دوتلاش قرآن‌پژوهی، در خاستگاه و هدف و نیز در برخی مبانی و روش‌ها همگرا و یک‌سو هستند، چراکه در خاستگاه و هدف هر دو، تلاش برای اصلاح جامعه امروزی و بهبود زندگی دنیوی و اخروی به وسیله پیام هدایتگرانه قرآن کریم دیده می‌شود. در مبانی نیز هر دو جریان به قابل فهم بودن قرآن برای عموم مردم و نقش قرآن در تحقق سعادت دنیوی و اخروی باور دارند؛ باوری که ظاهراً مورد اختلاف عموم مفسران نیست در حالی که بعضاً پایبندی به لوازم آن دیده نمی‌شود. او معتقد است که با توجه به مبانی یاد شده هر دو جریان در سطح روش از طرح میاحت غیرضروری و تخصصی در تفسیر امتناع می‌ورزند و بر سادهدنبوسی و فارسی‌نویسی تأکید دارند. همچنان که پیام‌گیری از آیات برای نشان دادن کارآمدی قرآن در زندگی امروز، از مشترکات هر دو جریان است، با این تفاوت که در تلاش‌های تدبیری این پیام‌گیری از شیوه منفعل ذکر پیام به شیوه فعال درگیر ساختن مخاطب با فهم قرآن ارتقا یافته و جریان تدبیری می‌کوشد با تدریس تعاملی، تربیت تدری و بهره‌گیری از ابزارهای تأثیرگذاری، مسلمانی «عامل» تربیت کند که در همه مراحل زندگی خود با گامی قرآن‌محور به انتخاب و دآوری مبادرت ورزد و عملاً آموزه‌های قرآنی را در زندگی پیاده کند.



دکتر شادی نفیسی

است، اما موج چهارم، که از دهه ۱۳۶۰ به بعد شاهد آن هستیم، به‌دنبال رسیدن به الگویی برای مدیریت اجتماعی، رسیدن به یک نظام اندیشه جامعه‌شناختی یا ترکیبی از آن از خلال رویکردی نظام‌مند و کلیت‌نگر به قرآن کریم است.»
 ▪ **تربیت «مسلمان عامل» هدف مطالعات تدبیری در قرآن است**
دکتر شادی نفیسی، دانشیار دانشگاه تهران، سخنرانی خود را به «پژوهش‌های تدبرگونه از تفسیر قرآن» اختصاص داد و گفت: «تفسیر اجتماعی و تلاش‌های تدبیری در قرآن؛ دو گونه قرآن‌پژوهی معاصرند که در تبیین مباحث تنوری و عملیاتی هر کدام، آثاری پدید آمده است. تلاش‌های تدبیری به آن دسته پژوهش‌های قرآنی گفته می‌شود که با استناد به آیاتی نظیر آیه ۸۲